

توانسته در مقایسه با سال ۸۴ میزان صادرات غیرنفتی خود را تا دو برابر افزایش دهد و از رقم ۱۰/۵۵ میلیارد دلار به حدود ۲۱/۷۹ میلیارد دلار برساند که این جهش صادرات غیرنفتی، اگر چه هنوز با شأن و منزلت ایران فرسنگ‌ها فاصله دارد، اما نشان از تلاش تولید کنندگان و سیاست‌های دولت در افزایش توان صادراتی کشور دارد.

مسئله مهم دیگر آن که جهان در حال خروج از بحران است و پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از رشد ۴/۲ درصدی تولیدات در جهان حکایت می‌کند. در این بین، منطقه خاورمیانه بر اساس پیش‌بینی‌ها رشد ۴/۸ درصدی را در سال ۲۰۱۱ تجربه خواهد کرد. این بدان معنی است که در سال جاری میلادی، رشد کشور ما که از کانال نفت به رشد اقتصادی دنیا گره خورده است، افزایش خواهد یافت. البته ای کاش رشد ما بر اصول پایداری چون درآمدهای ناشی از صادرات غیرنفتی استوار گردد، نه فروش نفت خام، اما در این برهه که به خودکفایی و بی‌نیازی از نفت نرسیده‌ایم، این می‌تواند خبر خوشی باشد - مخصوصاً آن که اخیراً آپک، قیمت سال جاری میلادی نفت خام را در حدود یکصد دلار پیش‌بینی کرده است.

از شاخص‌هایی است که در برخی متغیرها روند عکس را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، باید به این نکته اذعان داشت که نفت منجر به کاهش رشد اقتصادی نشده است، بلکه تنها نتوانسته عوامل دیگری را که بر اُفت رشد اقتصادی کشورمان مؤثر بوده‌اند مهار کند. به عنوان مثال، اثرات تحریم‌ها یا سیاست خارجی کشور که به برخی برخوردهای خارجی‌مان منجر شده‌اند و در رشد اقتصادی ما تبلور یافته‌اند، می‌توانستند به کمک درآمدهای نفتی مهار شوند، اما برعکس با عدم مدیریت صحیح منابع ارزی ناشی از درآمدهای نفتی، سایر شاخص‌ها مانند تورم تشدید شده‌اند.

واقعیت آن است که رشد اقتصادی ما که ریشه در ثروت‌های ناشناخته‌مان دارد از نمره خوبی برخوردار نیست و لازم است با شناسایی نقاط قوت و ضعف خود به ارایه راهکارهایی پرداخت که ضمن تقویت پتانسیل‌های اقتصاد ایران، مشکلات را به حداقل ممکن برساند و زمینه را برای رشد و اعتلای ایران عزیز فراهم آورد. ■

قابل ملاحظه شرایط اقتصادی کشور دارد.

• درآمدهای نفتی فزاینده، بارکود مزمن اقتصادی منافات دارند. در این خصوص، اگر چه درآمدهای نفتی کشور افزایش یافته‌اند، اما رشد تولیدات صنعتی در ایران وضعیت چندان مناسبی ندارد. البته کشور ما در مقایسه با گذشته در این زمینه به موفقیت‌های قابل ذکری دست یافته، اما این توفیقات به تناسب افزایش قیمت نفت نمی‌باشند.

• رشد شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور از رقم ۹/۱ درصد در سال ۸۴ به ۴ درصد در سال ۸۹ رسیده و اتفاقاً در سال ۸۷ که اوج قیمت نفت را شاهد بوده‌ایم، این روند شروع به کاهش کرده است. این موضوع حکایت از روند معکوس توسعه نفتی و غیرنفتی ما دارد.

با توجه به این مطالب باید به این نکته اشاره کرد که افزایش قیمت نفت به رشد اقتصادی ما کمکی نکرده و برعکس در بسیاری از متغیرها - که موضوع این مقاله نیستند - اثرات منفی بر جای گذاشته است. رشد اقتصادی

همه بخش‌ها را دریابیم

اتحاد متوازن برای توسعه متوازن

نفت و رشد

مهمترین موضوعاتی که در زمینه رابطه رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی می‌توان به آنها اشاره کرد موارد زیر می‌باشند:

• افزایش قیمت نفت، بالطبع باید به افزایش رشد اقتصادی بی‌انجام، اما برعکس در سال ۸۷ که قیمت نفت به شدت افزایش یافت و به بیش‌که‌ای ۱۴۰ دلار هم رسید، رشد اقتصادی ما بیش از همیشه اُفت کرد. نرخ رشد ۲/۳ درصدی این سال، اولین رقم پایین رشد اقتصادی کشور از سال ۷۵ تاکنون است. البته این را هم باید بیان کرد که بحران جهانی و سقوط قیمت نفت در اواسط مرداد ماه، تأثیر زیادی در این نزول اقتصادی داشته‌اند.

• درآمدهای نفتی نباید به مصرف هزینه‌های جاری برسند. آمارها مبین این واقعیت‌اند که در دوره‌هایی که درآمدهای نفتی در کشور ما افزایش یافته‌اند، هزینه‌های جاری روند صعودی را در پیش گرفته‌اند.

• درآمدهای نفتی که به ریال تبدیل شده و به جامعه تزریق می‌شوند، در حکم سم برای اقتصاد کشور تلقی شده و به افزایش تورم دامن می‌زنند. برخی طرح‌های اقتصادی دولت‌ها از محل افزایش درآمدهای نفتی به افزایش نقدینگی در کشور منجر شده‌اند و بخش‌های مختلفی را مانند مسکن دستخوش رشد‌های کاذب نموده‌اند.

• درآمدهای نفتی فرصت مناسبی برای افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های مختلف به شمار می‌روند. در سال‌های افزایش قیمت نفت، ذخایر ارزی کشور افزایش قابل توجه و متناسبی را تجربه نکرده‌اند و در عین حال، رشد بیکاری را نیز شاهد بوده‌ایم که این نشان از عدم تغییر

همه بخش‌های اقتصاد کشور با ظرفیت‌های خالی مواجه‌اند که باید شناخته شده و به شکوفایی برسند.

بخش خدمات بیشترین سهم را از محصول ناخالص داخلی (GDP) در اختیار دارد. این سهم در حدود ۴۵ درصد کل اقتصاد کشور است. سهم نفت نیز در ۴ سال پایانی برنامه چهارم توسعه با ۴/۵ واحد درصد افزایش به ۳۰ درصد رسیده است. البته باید به این نکته اذعان داشت که کاهش سهم بخش‌های مختلف



اقتصاد ایران در سال‌های اخیر و چه بسا از ابتدای پیدایش نفت، کارایی خود را بر پایه درآمدهای نفتی استوار کرده است. در دو سال منتهی به بحران ۲۰۰۸ که مصرف نفت در کشورهای صنعتی دنیا کاهش یافت، اُفت قیمت نفت به کاهش ذخایر ارزی و رکود اقتصادی در بخش‌های مختلف به دلیل کاهش میزان سرمایه‌گذاری‌ها منجر شد.

مشکلات تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی و درگیری‌های سیستم بانکی در کشور ما، موانعی را در مسیر توسعه اقتصادی پدید آورده‌اند. به اعتقاد ما، مشکل اساسی در اقتصاد ایران آن است که در هر شرایطی که در آن واقع‌ایم، بخشی از تحلیل‌ها باید از کانال نفت بگذرند. این امر، نتیجه نفتی بودن بیش از حد ابزارهای توسعه اقتصادی کشور است. نکته مهم و فراموش شده این معادله، تقویت حضور سایر بخش‌های اقتصادی و بررسی راهکارهای اثر گذاری این بخش‌ها در ارتقای رشد اقتصادی کشور می‌باشد. با نگاهی به آمار و ارقام درمی‌یابیم که در اقتصاد ایران،

اقتصادی از GDP، در نتیجه بحران جهانی و رکود در بخش‌های مختلف و همزمانی این امر با تشدید تحریم‌ها، توانسته سهم بقیه بخش‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد. در حال حاضر، سهم بخش نفت و گاز در مقایسه با سال ۸۳ و پیش از آن افزایش یافته است. سهم بخش کشاورزی کشور نیز کاهش یافته و با توجه به خشکسالی‌های اخیر، این سهم به ۹ درصد رسیده است. گفتنی است در برنامه سوم توسعه، کشاورزی در حدود ۱۳ درصد اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده بود.

در این بین، سهم بخش صنایع که شامل صنعت و معدن، برق، گاز و آب می‌شود، دستخوش کاهش شده و

نسبت به ارقام برنامه سوم توسعه (۱۷۳ درصد) با حدود ۲ واحد درصد کاهش مواجه شده است. البته مجمع جهانی اقتصاد، سهم بخش صنعت را از کل اقتصاد ایران ۱۱ درصد تخمین زده است. حتی بخش ساختمان با کاهش سهم همراه شده و این بر خلاف رونقی است که به خصوص در بخش مسکن در سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم. این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که رونق بخش مسکن از نوع معاملاتی بوده، نه ارزش افزوده‌ای.

نکته مهم دیگر، کاهش سهم خدمات در کشور است. سهم این بخش از فعالیت‌های اقتصادی که شامل مواردی همچون بازرگانی، هتل داری و رستوران، حمل و نقل، انبارداری، خدمات مالی و پولی، خدمات مستغلات، خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی است از حدود ۲۹ درصد در سال ۸۲ به ۴۴ درصد در سال ۸۹ کاهش یافته و این امر حکایت از عدم ثبات این دسته از مشاغل در بازار دارد. در کل، جز سهم نفت از محصول ناخالص داخلی کشور، سهم بقیه بخش‌های اقتصادی، روند نزولی را تجربه کرده و این موضوع نیازمند بررسی بیشتر است. نکته نهنفته در بطن این آمار و ارقام، اتکالی رو به رشد کشور به درآمدهای ناپایدار نفتی است که رمز لرزان بودن نرخ رشد اقتصادی کشور در شرایط بحرانی همین است. رشد اقتصادی در کشورهای مبتنی بر خلق ارزش افزوده، رشدی "قرص و محکم" است، اما رشدی که در قبال فروش منابع معدنی و زیرزمینی باشد، دردی را از اقتصاد دوا نمی‌کند و چنان که ما خود شاهدیم اوضاع را بدتر هم می‌کند. بخش‌های اقتصادی کشور ما قادرند رشد پایداری را بیافرینند، اما گویا برنامه‌ای برای این موضوع در دست نیست.



آفت شناسی

افزایش جمعیت و گسترش اقتصاد، لازم و ملزوم یکدیگرند. در حال حاضر، دو آفت اساسی کاهش رشد اقتصادی و تورم بالا، اقتصاد ایران را تهدید می‌کنند. با آن که دولت بخش اعظمی از شرکت‌های خود را اعم از بانک‌ها و بیمه‌ها، شرکت‌های نفتی و پتروشیمی‌ها و مخابرات، به بخش خصوصی واگذار کرده، اما شواهد حکایت از آن دارند که خصوصی سازی‌ها تأثیری بر کلیت اقتصاد نداشته و وضعیت بهتر نشده است.

دولت با اعمال طرح تحول اقتصادی و کلید زدن آن با آزاد سازی قیمت‌ها، عملاً در حال برداشتن قدم‌های بزرگی است که حکایت از بهبود شرایط اقتصادی در آینده دارند. مسیری را که ما در پیش گرفته‌ایم، پیش از این، ترکیه با کیفیتی تقریباً مشابه پیموده و شکوفایی امروز این کشور، محصول برنامه ریزی دقیق اقتصادی است. کشور ما دارای ذخایر فراوان نفت، گاز و فلزات است. تبدیل منابع مذکور به ارزش افزوده که خود به معنای توسعه روش‌های

ارزش آفرینی در اقتصاد می‌باشد، نیازمند نیروی کار ماهر - به عبارتی افزایش اشتغال همراه با مهارت - توسعه صنعتی، بهبود حمل و نقل، اصلاح سیاست‌های تجاری، رقابت پذیری و ده‌ها مورد مشابه دیگر است.

توسعه ساختارهای غیرنفتی و خلق ارزش افزوده نفت باید به عنوان یک آرمان نهایی در اقتصاد ایران باشد. به گمان کارشناسان ماهنامه «اقتصاد ایران»، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد آن است که در یک برنامه توسعه ۵ ساله، به صورتی موازی و نظارت شده بتوان همه بخش‌های اقتصادی کشور را به حرکت واداشت. این حرکت قطعاً باید بر مبنای کارایی و ظرفیت سازی‌های جدید با اولویت بازارهای جهانی باشد. در این زمینه، اتکالی بیشتر به سرمایه‌های خارجی و ایجاد زمینه‌های جذب سرمایه گذاران خارجی در هر دو بخش نفتی و غیرنفتی باید لحاظ شود و در عین حال، با تقویت بازار سرمایه کشور زمینه‌های بکارگیری سرمایه‌های داخلی باید ایجاد شوند. در بخش صنایع دستی، بازارهای ما در سایر کشورهای دنیا در حال فراموشی‌اند. پسته ایرانی در حال از دست دادن بازارهای خود در جهان است. تولیدات صنعتی ما ناشناخته‌اند و تنها پتروشیمی را صادر می‌کنیم. از برندهای خاصی برخوردار نیستیم و اتومبیل‌های ایرانی تنها در کشورهای عقب افتاده مشتری دارند.

تا تجارت اصلاح نشود، نرخ تورم کاهش نیابد، فضای کسب و کار بهبود نیابد، بخش خصوصی به خود باوری نرسد، نرخ ارز منطقی نگردد، دولت دست از نفت نکشد و ...، آتش همان است و کاسه همان. ■

به سوی رشد متوازن

بخش	مشکلات موجود	راهکارهای رشد
انرژی	تسلط دولت بر بخش انرژی، سرمایه گذاری‌های کم، تکنولوژی فرسوده، بازدهی پایین انرژی در کشور، خام فروشی و ارزش افزوده پایین، هدر روی منابع انرژی نفت، سهم پایین بخش انرژی از درآمدهای نفتی	خصوصی سازی در بخش انرژی، زمینه سازی جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، تجهیز سرمایه در بخش نفت و گاز، ارتقای توان تولید پتروشیمی و صادرات، اهتمام به تقویت صندوق ذخایر ارزی
کشاورزی	خشکسالی‌های پیاپی، عدم تطابق عرضه و تقاضا از ابعاد کیفی و کمی، بوجه پایین، مهاجرت و شهر نشینی، رفاه پایین در روستا، سنتی بودن کشاورزی در کشور، فراموشی پتانسیل‌های کشاورزی ایران، عدم استفاده از موقعیت اقلیمی کشور، تأثیرات توری و تولید سایر بخش‌ها بر بخش کشاورزی، نهاده‌های کشاورزی گران و عدم رقابت با واردات، حمل و نقل گران و اتلاف محصولات	برنامه ریزی و نوآوری در روش‌های آبیاری، سلیقه مداری ملی و بین‌المللی، بهبود کیفی و زمینه سازی رشد کمی تولید، توسعه کشاورزی فناوری محور، اشتغال در روستا و افزایش رفاه برای کاهش مهاجرت و شهر نشینی، شناسایی توان تولیدی و تنوع محصولات برای صادرات، استفاده از همه شرایط اقلیمی در تولید، کاهش اثرات توری
تولید صنعتی	کمبود نقدینگی در بخش صنعت، کیفیت غیررقابتی صنعت کشور در جهان، فضای کسب و کار خاکستری، بازاریابی ضعیف، تحریم‌ها و مواد اولیه گران، تکنولوژی از رده خارج، سرمایه گذاری صنعتی پایین، دستوری بودن قیمت‌ها و غیررقابتی بودن بازار فروش	ایجاد تسهیلات بانکی و ارتقای توان تولید صنعتی، ارتقای کیفی تولید، اصلاح فضای کسب و کار در صنعت، بازاریابی بین‌المللی با افزایش امکان رقابت جهانی، به روز رسانی تکنولوژی، کاهش اثرات تحریم‌ها، ایجاد رغبت برای سرمایه گذاری صنعتی
معادن	خام فروشی منابع معدنی کشور، عدم حمایت‌های تأمین و مالی از بخش معدن، مشکلات حمل و نقل و تجهیزات معدنی از اکتشاف تا استخراج، پایین بودن ارتباط مؤثر صنعت و معدن	ایجاد ارزش افزوده از منابع معدنی، ارایه تسهیلات بر مبنای توجیه طرح‌ها، اصلاح زیرساخت‌های انتقال مواد معدنی، بهبود روش‌های اکتشاف و استخراج و کاهش هزینه‌ها، اصلاح روش‌های قیمت گذاری
مسکن و ساختمان	رکود ساخت و ساز در بخش مسکن، قیمت بالای مصالح، تأثیر پذیری فراوان از سایر بازارها، واسطه‌گری در بخش مسکن، کمبود نقدینگی، عدم توازن عرضه و تقاضا، کاهش سرمایه گذاری‌ها، تبانی در بخش مسکن و اثرات آن بر قیمت‌ها، کنترل‌های دولتی	تزویق نقدینگی کنترل شده به بخش مسکن، حمایت از پیمانکاران با نگاهی به مسکن ازان، تشویق ساخت و ساز، تسهیلات خرید و تقویت طرف تقاضا، جذب سرمایه گذار خارجی، روش‌های جدید تولید مسکن سبک و مقاوم
حمل و نقل	زیرساخت‌های نامناسب جاده‌ای و ریلی، حجم بالای سرمایه مورد نیاز و عدم دخالت بخش خصوصی، مشکلات تأمین و قیمت سوخت، مشکلات رانندگان و کارکنان، ناوگان حمل و نقل فرسوده	افزایش سرمایه گذاری‌ها در بخش حمل و نقل، بخش خصوصی و تقویت حضور آن، اصلاح نرخ‌ها، اتخاذ سیاست‌های کاهش مصرف سوخت، تجهیز و اصلاح ناوگان حمل و نقل
فناوری اطلاعات	نقش کم‌رنگ IT در صنایع و بخش‌های کشور، فراهم نبودن زیرساخت‌های IT، تأمین تجهیزات در شرایط تحریم، امنیت در حوزه IT و مشکلات آن، تعرفه‌های تجهیزات اطلاعات و افزایش قیمت خدمات مخابراتی و IT	ایجاد پیوند تنگاتنگ صنعت و حوزه ارتباطات، دخالت بخش خصوصی و دولت در ایجاد و توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی، تولید داخلی تجهیزات و ایجاد مهارت‌های صادراتی در زمینه IT
توریسم	توریسم پذیری پایین، عدم استفاده از ظرفیت‌های توریستی، مشکلات فرهنگی، امکانات پایین و غیراستاندارد هتل داری و انتقال توریست، خلاءهای قانونی حمایت از بخش توریسم	ارتقای توان توریست پذیری کشور، حمایت مالی از دست اندرکاران گردشگری کشور، ارایه تسهیلات نوسازی و تجهیز هتل‌ها و سیستم حمل و نقل مسافران و گردشگران، تأمین امنیت و اطمینان، اصلاحات قانونی و قانون گذاری در حوزه گردشگری